



آیت الله قرهی: اولین و مهم‌ترین مسئله در طهارت قلب، لقمه است

آیت الله قرهی گفت: اولیاء الهی نکته‌ای را در باب طهارت قلب بیان فرمودند که بسیار مهم است. تمام آن‌ها بیان فرمودند: اولین و مهم‌ترین مسئله در طهارت قلب، لقمه است.

آیت الله قرهی گفت: اولیاء الهی نکته‌ای را در باب طهارت قلب بیان فرمودند که بسیار مهم است. تمام آن‌ها بیان فرمودند: اولین و مهم‌ترین مسئله در طهارت قلب، لقمه است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله قرهی نکته ای اخلاقی مطرح کرده که در پی می آید؛

اوّل راهی که مولی‌الموالی(ع) می فرمایند، طهارت قلب است؛ یعنی قلب از هر نوع گناه طاهر شود. اگر قلب طاهر شد، اخلاص می آید؛ چون مرکز فرماندهی روح، این قلب است. بدانید بعد از قلب طاهر، روح مسلط بر اعضاء و جوارح می شود، وقتی روح طاهر شد، بدن طاهر می شود. دیگر ید می شود یدالله، عین می شود عین‌الله.

لذا راه این است: طهارت قلب. اولیاء الهی نکته‌ای را در باب طهارت قلب بیان فرمودند که بسیار مهم است. تمام آن‌ها بیان فرمودند: اولین و مهم‌ترین مسئله در طهارت قلب، لقمه است.

طوری که اوّل مرجع دین، شیخنا الأعظم، حضرت مفید عزیز، در پاسخ به سؤال شاگرد باعظمتش، آن سیّد عظیم‌الشتان، آیت‌الله‌العظمی سیّد مرتضی علم‌الهدی که پرسید: آقا! چطور می‌شود امام زمان را دید، فرمودند: عزیزم! کأنّ می‌بینم اگر مردم بر لقمه‌های خود مراقبه و مواظبت می‌کردند، تمام اعضاء و جوارحشان، تبدیل به نور الهی می‌گشت و آن که چشمش نور الهی شد، طبعاً امام زمان بین می‌گردد.

لذا طبق فرمایش شیخنا الاعظم اگر انسان لقمه را مراقبت و مواظبت کرد و این مسئله را جدّی گرفت و باورش شد که هرچه هست در این لقمه است، آن‌وقت است که وجودش نور الهی می شود و معلوم است نور الهی، چهره آقا را می‌بیند و می‌شناسد.

خدا مرحوم چلویی را رحمت کند. ایشان به آقا جان، آیت‌الله‌العظمی ادیب گفته بودند: من آن موقعی که نیّت کردم دیگر در هر لحظه لقمه را مراقبه کنم، وجود نازنین آقا را دیدم. آقا فرموده بودند: همین مراقبه تو باعث شده است چهره ملکوتی آقا را ببینی و برای همین چهره تو عالی شده است - نگاه به چهره ملکوتی آقا یعنی نگاه به وجه‌الله -

ایشان عجیب به لقمه مراقبه می‌کردند. در بازار وقتی این کارگراها می‌آمدند، برای صاحبکارهایشان غذا ببرند و به مغازه ایشان می‌آمدند، ایشان اوّل یک مقدار کباب را برمی‌داشتند و در دهان آن‌ها می‌گذاشتند.

آیت‌الله دزفولی فرموده بودند: رمز کار ایشان این بود که خودشان فرموده بودند: چون بوی کباب به مشام این‌ها خورده و این‌ها جوان و نوجوان هستند، من می‌ترسم یکی از این‌ها دلش بخواهد و استادکار او هم آدمی نباشد که بخواهد به این بچه یک لقمه از این غذا بدهد و خدای ناکرده یک موقعی در راه ناخنکی به غذا بزند و وجودش به لقمه حرام آلوده شود.

لذا همین که شاگردی وارد می‌شد، ایشان اوّل یک لقمه کباب برمی‌داشتند، به روغن کرمانشاهی می‌زدند و در دهان او می‌گذاشتند.

آیت‌الله‌العظمی ادیب که هیچ‌جا بیرون غذا نمی‌خوردند - اصلاً رفتار ایشان نوع دیگری بود، مثل ما در وادی غذا و ... نبودند - وقتی مرحوم چلویی هر از گاهی، برایشان غذا می‌آوردند، می‌فرمودند: این لقمه را می‌شود خورد.

ببینید کسی که روح الهی دارد تا کجا را می‌بیند! نکند یک نوجوان یا جوانی که آمده برای استادش یک پرس غذا بگیرد، بوی آن غذا، او را مست کند و خدای ناکرده به آن ناخنک بزند. به خصوص که اگر از آن صاحبکارش اخلاق تنّی هم دیده باشد، بگوید: او که آن‌جا به من چیزی نمی‌دهد، بگذار یک ناخنکی به غذای او بزنم.

ایشان می‌گفتند: من مراقبه می‌کنم که بچه‌های مردم به لقمه حرام دچار نشوند که روح طیب و طاهر را از دست ندهند. این‌قدر لقمه مهم است.

حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء، آن فقیه عظیم الشان و مرد الهی، نکته بسیار عالی بیان فرموده بودند، فرموده بودند: آن زمانی که طلحه و زبیر محضر مولی الموالی (ع) آمدند، درخواستی را بکنند آن‌ها با امیرالمؤمنین (ع) دوست و رفیق بودند و آن‌ها بودند که باعث تحریک مردم شده بودند تا در خانه امیرالمؤمنین (ع) بریزند و ایشان خلافت را بپذیرند.

آن‌ها سینه چاک کرده بودند که به تعبیر خودشان حضرت به ریاست برسد، و الا امام که امام است - حضرت پرسیدند: کارتان خصوصی است یا به اصطلاح امروزی‌ها دولتی؟ جواب دادند: خصوصی است، دیدند که حضرت روشنائی را خاموش کرد و بعد آنچه که متعلق به خودش بود را روشن کرد، فهمیدند چه خبر است، اگر آن موقع می‌فهمیدند که امیرالمؤمنین (ع) بالاترین لطف را به آن‌ها کرده، به دست و پای حضرت می‌افتادند.

چون شما فکر نکنید لقمه یعنی فقط خوردن. لقمه یعنی امکان دارد شما از وسیله نقلیه دولتی استفاده کنید، یا امکان دارد از آن موقعیتی که برای شما قرار دادند سوء استفاده کنید و ... این‌ها خیلی مهم است و انسان باید دقیق باشد.